

قیام موسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعداد باب ۲۰ آیات ۱-۱۳، تثنیه باب ۳۱ آیه ۲، تثنیه باب ۳۴ آیه ۴، تثنیه باب ۳۴ آیات ۱-۱۲، یهودا آیه ۹، اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۱۳-۲۲.

آیه حفظی: «حال آنکه حتی میکائیل، فرشته اعظم، آنگاه که با ابلیس درباره جسد موسی مجادله می کرد، جرات نکرد خود او را به سبب اهانت محکوم کند، بلکه فقط گفت: «خداوند تو را توبیخ فرماید!»» (یهودا آیه ۹).

همانطور که در تمام دروس این سه ماهه دیدیم، موسی انسانی خاکی است که زندگی اش، شخصیت اش و پیام هایش در کانون کتاب تثنیه قرار دارد. آری، اگرچه تثنیه در مورد خدا و محبتش برای «قوم اسرائیل» است، خدا اغلب برای اینکه محبتش را آشکار سازد و با قوم خود اسرائیل سخن گوید، موسی را بکار می برد.

حال که به پایان سه ماهه رسیدیم، در پایان مطالعه تثنیه، به پایان زندگی موسی هم می رسیم؛ حداقل زندگی او در اینجا.

همانطور که ال ن جی وایت ابراز داشت: «موسی یقیناً می دانست که به تنهایی در شرف مردن بود؛ هیچ دوست زمینی اجازه نداشت تا در آخرین ساعات عمرش به او خدمت کند. صحنه ای از یک راز مهیب در برابرش بود، رازی که قلب او را مشوش ساخت. سخت ترین آزمایش که جدایی او از افرادی بود که به آنها علاقه داشت و تحت محبت او قرار داشتند و برای مدتهای طولانی زندگی اش با آنها پیوند داشت. اما او یادگرفته بود که به خدا اعتماد کند و با ایمانی بی چون و چرا خود را به آن، به مردمش و به محبت و فیضش وقف کرده بود.» - مشایخ و انبیاء، صفحات ۴۷۰ و ۴۷۱.

همانطور که زندگی و خدمت موسی شخصیت خدا را هرچه بیشتر آشکار می ساخت، همینطور مرگ و قیام وی چنین می بود.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت روز ۴ دی ماه حاضر شوید

گناه موسی: بخش ۱

بارها و بارها، حتی در میانه ارتداد و سرگردانی های آنها در بیابان، خداوند به طرز معجزه آسایی برای بنی اسرائیل مهیا می کرد. یعنی هر چند که آنها بی لیاقت بودند (و غالباً همینطور بودند) لطف و فیض خدا به وفور شامل آنها می شد. امروز نیز ما دریافت کننده فیض او هستیم، هرچند که لایق آن نیستیم. به هر حال، اگر لیاقت آن را داشتیم، فیضی در کار می بود، اینطور نیست؟

و در کنار غذای فراوانی که خداوند به طرز معجزه آسایی برایشان در بیابان تدارک می دید، دیگر فیضی که از او تجلی می یافت آب بود، که بدون آن آنان طولی نمی کشید که از بین می رفتند، مخصوصاً در بیابان خشک، داغ و لم یزرع. با سخن راندن در مورد این تجربه، پولس نوشت: «وهمان آشامیدنی روحانی را نوشیدند؛ زیرا از آن صخره روحانی می نوشیدند که از پی می آمد، و آن مسیح بود.» (اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۴).

الن جی وایت اضافه می کند که «در هر طی هر جا که آب می خواستند در کنار اردوگاه آنان از صخره ای آب جاری می شد» مشایخ و انبیاء صفحه ۴۱۱.

اعداد باب ۲۰ آیات ۱ تا ۱۳ را بخوانید. چه اتفاقی در اینجا افتاد و چگونه مجازات خداوند را برای موسی به خاطر آنچه او انجام داده بود می فهمیم؟

در یک مقطع، سخت نیست که بتوان آزرده گی موسی را دیده و درک کرد. بعد از آن همه کارهایی که خداوند برایشان انجام داده بود، نشانه ها و علائم و معجزات رستگاری آنجا نزد آنان بود؛ سرانجام در مرز سرزمین موعود بودند. و بعد - چه؟ ناگهان با کمبود آب مواجه شدند و بنابراین شروع کردند به توطئه علیه موسی و هارون. آیا الان خدا نمی توانست برای آنها آب تهیه کند آنگونه که بارها چنین کرده بود؟ البته که نه؛ او توانسته بود و قرار بود دوباره چنین کند.

در هر حال، به سخنان موسی نگاه کنید وقتی بر صخره ضربه زد، حتی دوبار ضربه زد. «ای یاغیان گوش فرا دهید: آیا باید از این صخره آب برای شما بیرون آوریم؟» (اعداد باب ۲۰ آیه ۱۰). همه می توانند خشم صدای او را بشنوند، زیرا او ابتدا آنها را «شورش» صدا می کند.

با این حال به کلام موسی توجه کنید هنگامی که دوبار بر صخره ضربه زد. «هان بشنوید ای ای یاغیان! آیا باید از این صخره برای شما آب بیرون آوریم؟» (اعداد ۲۰: ۱۰). می توان صدای خشم او را شنید زیرا آنان را یاغیان خطاب کرد. مشکل تنها خشم و عصبانیت او نبود، گر چه به اندازه کافی بد بود، - بلکه هنگامی بود که گفت «آیا باید برای شما از این صخره آب بیرون آوریم؟»، گوئی که او یا هر بنی بشری می توانست از صخره آب بیرون بیاورد. بنظر می رسید که او در خشم خود در آن لحه فراموش کرده بود که تنها قدرت خداست که در میان آنان کار می کند که توانسته بود اینهمه معجزه به ارمغان بیاورد. او و تمامی قوم باید این قضیه را دریافته بودند.

هر چند وقت یکبار از روی خشم حرفی را زده اید یا مرتکب عملی شده اید، بر این باور که با خشم خود آنرا توجبه کرده باشید؟ چگونه می توانیم از این حرکت دست کشیده و با دعا در پی قدرت خدا بوده و قبل از اینکه حرفی بزنییم یا عملی انجام دهیم آنرا از قبل بسنجیم؟

دوشنبه

۲۹ آذر

گناه موسی: بخش ۲

دوباره اعداد باب ۲۰ آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید. خداوند چه دلیل خاصی به موسی داد که چرا نمی تواند از آنجا عبور کند؟ همچنین به تنبیه باب ۳۱ آیه ۲ و تنبیه باب ۳۴ آیه ۴ رجوع کنید.

بر اساس این آیات، در اینجا چیزی فراتر از گناه موسی بود مبنی بر اینکه سعی کرد خود را جای خدا بگذارد، که به اندازه کافی بد بود. او همچنین سست ایمانی نشان داد که برای کسی به مانند موسی غیرقابل توجیه بود. گذشته از همه اینها، این همان مردی است که از بوته در آتش (خروج باب ۳ آیات ۲ تا ۱۶) تا بعد آن، با خدا تجربه ای داشت که دیگران نداشتند و با این وجود طبق آیه موسی «به من ایمان داشته باش» را مورد بی توجهی قرار داد؛ یعنی موسی در مورد آنچه که خداوند گفته بود از خود کم ایمانی نشان داد، و درنتیجه او، در برابر بنی اسرائیل، نتوانست «مرا تقدیس کن» را تحقق بخشد. به عبارتی دیگر اگر موسی آرامش خود را حفظ می کرد و با نشان دادن ایمان و اعتماد به خدا در میانه ارتداد آنان آنچه را که درست بود انجام می داد، می توانست خداوند را در برابر قوم جلال بخشیده و دوباره الگویی از ایمان و اطاعت راستین برای آنان می شد. به این نکته نیز توجه کنید که موسی چگونه از آنچه خداوند به طور مخصوص به او گفته بود تا انجام دهد سرپیچی کرده است.

اعداد باب ۲۰ آیه ۸ را بخوانید. خداوند از موسی خواسته بود چه کاری انجام دهد، اما در عوض موسی چه کرد؟ (اعداد باب ۲۰ آیات ۹ تا ۱۱)

در آیه ۹ موسی چوب دستی را همانطور که «خداوند به او امر کرده بود» در دست می گیرد. تا اینجا خوب پیش رفت. اما در آیه ۱۰، به جای آنکه به صخره بگوید، - تا با اعجاز و قدرت خداوند، آب از آن جریان یابد - موسی به آن ضربه زد، نه یکبار بلکه دو مرتبه. آری با اینکه به صخره ضربه زد، آب از آن جاری شد که معجزه آسا بود ولی به اندازه ای که با آن سخن بگوید و آب از آن جاری شود، تاثیر معجزه شگفت آمیز تر می بود. مطمئناً، در ظاهر ممکن بود به نظر برسد که حکم خدا درباره موسی بسیار شدید باشد:

بعد از همه آنچه موسی پشت سر گذاشته بود، به او اجازه داده نشد تا به سرزمین موعود وارد شود. مردم از این داستان شگفت زده شده اند که چرا - بخاطر آن عمل عجولانه - باید پس از سالها انتظار محروم شود.

به نظر شما بنی اسرائیل باید از آنچه برای موسی اتفاق افتاد چه درسی می آموختند؟

۳۰ آذر

سه شنبه

مرگ موسی

بیچاره موسی! تا بدینجا آمده، خیلی چیزها را پشت سر گذارده و تنها کافی بود که وعده ای که قرن‌ها پیش به ابراهیم داده شد تحقق یابد: «این سرزمین را به نسل تو می بخشم» (پیدایش باب ۱۲ آیه ۷).

تثنيه باب ۳۴ آیات ۱-۱۲ را بخوانید. چه اتفاقی برای موسی افتاد، و خداوند درباره او چه گفت که نشان میداد او چه انسان خاصی است؟

«موسی در خلوت خود فراز و نشیب‌ها سختی‌های زندگی خود از زمان جلال و جبروت درباری و چشم انداز پادشاهی در مصر مرور کرد تا زمانی که بخت او با قوم برگزیده خدا همراه شد. او آن سالهای طولانی را که در صحرا با گله‌های یترون بود به یاد آورد، ظاهر شدن فرشته در بوته آتشین و فراخوانی او برای نجات قوم اسرائیل. دوباره او معجزات قدرتمند قدرت خدا را که به بخاطر قوم برگزیده نشان داد، و رحمت دیرینه او را در طول سالهای سرگردانی و عصیان مشاهده کرد. علیرغم تمام آنچه خداوند برای آنها انجام داده بود، با وجود دعا و زحمات خود، از خیل عظیمی که مصر را ترک کردند تنها دو نفر وفادار یافت شدند که توانستند وارد سرزمین موعود شوند. همانطور که موسی نتیجه زحمات خود را مرور می کرد، برای وی اینگونه به نظر می رسید که زندگی سراسر آزمون و ایثارگری او تقریباً بیهوده بوده است» -الن جی وایت، مشایخ و انبیاء صفحات ۴۷۱ و ۴۷۲.

تثنيه باب ۳۴ آیه ۴ مطلبی جالب توجه در بر دارد. «این سرزمینی است که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگندخورده، گفتم آن را به نسل شما خواهم داد». خداوند تقریباً به معنای واقعی کلمه از کلماتی که مرتباً به پدران و فرزندانشان درباره دادن این سرزمین به آنها گفته بود، استفاده می کرد. حال او آن را برای موسی تکرار می کرد.

خداوند همچنین گفت که «اکنون به تو اجازه دادم آنرا ببینی، ولی پایت را در آنجا نخواهی گذاشت» (تثنيه باب ۳۴ آیه ۴). هیچ راهی وجود ندارد که موسی از مکانی که ایستاده بود، توانسته باشد آنچه را که خداوند به او اشاره کرده است، با چشم عادی ببیند - از موآب تا دان تا نفتالی و غیره.

الن جی وایت واضح گفت: آن مکاشفه ای ماورای طبیعی بود، نه تنها مکاشفه سرزمین، بلکه آنچه که پس از تصرف و مالک شدن به نظر می رسید.

از یک نظر، تقریباً به نظر می رسد که گویی خداوند مشغول طعنه زدن به موسی بود، و می خواست او را بخاطر خطایش شرمسار کند: اگر آنگونه که باید، از من حرف شنوی می کردی، می توانستی اینجا باشی.

در عوض، خداوند به موسی نشان می داد که علی رغم همه چیز، حتی با وجود اشتباه موسی، خدا به وعده های عهدی که با پدران و خود اسرائیل داده بود وفادار خواهد بود. همانطور که خواهیم دید، خداوند حتی چیزی بهتر از این برای بنده وفادار اما معیوب خود تدارک دیده بود.

چهارشنبه

۱ دی

قیام موسی از مرگ

«بنابراین موسی خدمتگزار خداوند، چنانکه خداوند گفته بود در سرزمین موآب درگذشت. خداوند او را در دره ای نزدیک بیت فکور در سرزمین موآب دفن نمود، ولی تا به امروز هیچ کس مکان دفن او را نمی داند» (تثنیه باب ۳۴ آیات ۶۵). بنابراین با این تعداد محدود، موسی- که کانون زندگی اسرائیلیان بود، مردی که نوشته هایش تا بدین روز زنده است، نه تنها در اسرائیل بلکه در کلیسا و در کنیسه امروز نیز- مرد.

موسی مرد، دفن شد، مردم عزاداری نمودند و همین. یقیناً اصول کلمات مکاشفه شده در اینجا بکار می رود: «خوشا بحال کسانی که در خداوند مردند» «آری» روح القدس می گوید، «حال دیگر از تمام دردها آسوده می شوند، و به خاطر کارهای خوبی که کرده اند پاداش می گیرند» (مکاشفه باب ۱۴ آیه ۱۳).

در حال، مرگ موسی فصل آخر داستان زندگی او نیست.

یهودا باب ۹ را بخوانید. در اینجا چه واقعه ای در حال رخ دادن است، و چگونه این آیات کمک می کند تا ظهور موسی را که بعدها در عهد جدید دیده می شود توضیح دهد؟

با وجود آنکه نظری اجمالی به ما داده شده است، چه منظره فوق العاده ای در اینجا وجود دارد. میکائیل، خود مسیح، در مورد بدن موسی با شیطان اختلاف داشت. چگونه اختلاف نظری بود؟ هیچ شکی نیست که موسی گناهکار بود؛ به راستی، آخرین گناه شناخته شده اش، جلالی را که باید به خدا داده می شد را به خود داد، و این همان نوع گناه است- «به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شد» (اشعیا باب ۱۴ آیه ۱۴)- که باعث شد تا لوسیفر از مکان نخستین خود یعنی آسمان برانداخته شود. اختلاف بر روی بدن او باید به این دلیل باشد که مسیح اکنون برای موسی قیام موعود را ادعا می کرد.

اما مسیح چگونه می توانست این کار را برای یک گناهکار ، موسی ، شخصی که قانون او را نقض کرده بود ، انجام دهد؟ پاسخ ، البته ، فقط می تواند صلیب باشد. همانطور که تمام قربانیان حیوانات به مرگ مسیح اشاره می کردند ، بدیهی است که خداوند هم اکنون ، که به صلیب نگاه می کند ، ادعا می کرد که بدن موسی زنده می شود. « در نتیجه گناه ، موسی تحت قدرت شیطان درآمد. به شایستگی خودش ، او اسپر مرگ وحشتناک شد؛ اما او برای زندگی جاودان قیام کرد که عنوان منجی را نگه می داشت. موسی از معبد جلال یافته آمد و به همراه منجی اش به شهر خدا صعود کرد.»- الن جی وایت، مشایخ و انبیاء، صفحه ۴۷۹.

چگونه این روایت از موسی به ما کمک می کند تا عمق نقشه نجاتی را درک کنیم که حتی قبل از صلیب، موسی بتواند به جاودانگی قیام کند؟

۲ دی

پنجشنبه

قیام همگی ما از مرگ

با اضافه نمودن نور عهد جدید، محرومیت موسی از سرزمین وعده یک تنبیه به نظر نمی رسد. به جای کنعان زمینی و بعدها هم اورشلیم زمینی (که همه تاریخ شناخته شده اش پر است از جنگ، غارت و رنج)، «اورشلیم آسمانی» (عبرانیان باب ۱۲ آیه ۲۲) حتی هم اکنون نیز خانه اوست و یقیناً مسکنی بس بهتر!

موسی در کتاب مقدس نمونه ای شناخته شده از مردگانی بود که قیام کرد. خنوخ بدون آنکه طعم مرگ را بچشد به آسمان برده شد (پیدایش باب ۵ آیه ۲۴)، و ایلیا هم (دوم پادشاهان باب ۲ آیه ۱۱)، اما بر اساس آنچه نوشته ها نشان می دهد، موسی اولین نفر بود که برای زندگی جاودان قیام نمود. ما نمی دانیم که موسی برای چه مدت در زمین خفته بود ، اما تا آنجا که به او مربوط می شد، مهم نبود. او چشمانش را در مرگ بست و اینکه ۳ ساعت طول کشید یا ۳۰۰ سال، برایش یکی بود. این برای همه مردگان در طول تاریخ یکی است؛ تجربه آنان، حداقل تا زمانیکه مرگ ادامه دارد، با مرگ موسی تفاوتی نخواهد داشت. ما چشمانمان را در مرگ می بندیم و چیزی که می دانیم یا بازگشت ثانویه عیسی است یا متاسفانه داوری نهایی (همچنین به مکاشفه باب ۲۰ آیات ۷-۱۵ مراجعه کنید).

اول قرنیتیان باب ۱۵ آیات ۱۳ تا ۲۲ را بخوانید. چه وعده عظیمی در اینجا یافت می شود، و چرا گفته پولس معنی خواهد داد اگر درک کنیم که مرگ یعنی خوابیدن در مسیح تا زمان قیامت؟

بدون امید به قیام، هیچ امیدی نخواهیم داشت. قیام مسیح اطمینان همگی ماست؛ که «پس از پاک کردن گناهانمان» (عبرانیان باب ۱ آیه ۳) بر صلیب به عنوان بَره قربانی برای ما، مسیح مُرد و از مردگان قیام کرد و به خاطر قیام او ما نیز اطمینان می یابیم که قیام خواهیم کرد، با موسی که نمونه اولین انسان سقوط کرده، که از مردگان قیام کرد.

به خاطر آنچه که مسیح می کرد، موسی قیام کرده بود؛ و به خاطر آنچه که مسیح کرده است ما نیز به نوبه خود قیام خواهیم کرد.

بنابراین، ما در موسی نمونه ای از نجات توسط ایمان می یابیم، ایمانی که در زندگی، با وفاداری و توکل به خدا آشکار شده است، حتی اگر در پایان دچار تزلزل شود، و در سرتاسر کتاب تثنیه می بینیم که موسی به دنبال دعوت قوم خدا به جهت همان ایمان مشابه است، پاسخ مشابه به فیض داده شده به آنان، گویی به ما داده شده باشد- ما نیز که در مرز سرزمین موعود قرار داریم.

آیا این خدا نیست، همان خدا، که ما را نیز به وفاداری و ایمان دعوت می کند؟ چه کاری می توانیم انجام دهیم تا مطمئن شویم که همان اشتباهاتی که موسی بعدها در تثنیه مرتکب شد را مرتکب نشویم؟

۳ دی

جمعه

تفکری فراتر: «وقتی با خشم فریاد برآوردند، «آیا باید ما از این صخره برای شما آب بیرون آوریم؟» آنان خود را جای خدا قرار دادند، چنانچه گویی قدرت از خودشان نشأت می گیرد، انسانهایی که مملو از ضعف و هوای نفس می باشند. موسی که با گلایه و عصیان مداوم مردم به تنگ آمده بود، از یاریگر قادر متعال خود غافل شد و بدون قدرت الهی مجبور شد با جلوه ای از ضعف انسانی، سوابق خود را از بین ببرد. مردی که تا پایان کار خود پاک، محکم و غیرخودخواهانه ایستاده بود، سرانجام مغلوب شد. خداوند در برابر جماعت اسرائیل بی حرمت شده بود، زمانی که باید عزت و رفعت می یافت» - الن جی وایت، مشایخ و انبیاء، صفحه ۴۱۸.

«بر فراز کوه تبدیل هیئت، موسی که متبدل شده بود به همراه ایلیا آمده بود. آنان به عنوان حاملان نور و جلال از طرف پدر و پسرش فرستاده شده بودند و بدین ترتیب دعای موسی، که قرنها پیش ادا گشته بود، در نهایت مستجاب گردید. او بر فراز «کوه چشمگیر» با میراث قومش ایستاد، حامل شهادتی برای او بود که تمامی وعده های داده شده به اسرائیل بر او تمرکز داشت. این آخرین صحنه ای بود که در تاریخ در برابر چشمهای فانی قرار گرفت، از مردی که در ملکوت از حرمت والایی برخوردار بود» - مشایخ و انبیاء، صفحه ۴۷۹.

سوالاتی برای بحث:

۱. آری، در صحنه ای، موسی قیام کرد و مدت کوتاهی پس از مرگش به آسمان برده شد. اما همزمان، موسای بیچاره (اینگونه می پنداریم) شاهدی از وقایع وحشتناک بر روی زمین شد.

چقدر خوش اقبال خواهیم بود که اکثر ما بعد از اینکه تمامی درگیری های زمین به پایان برسد در آمدن ثانی قیام داده خواهیم شد. بنابراین ، این از چه جهاتی نسبت به آنچه که موسی تجربه کرد، برکت بزرگتری محسوب می شود؟

۲. داستان مرگ موسی و قیام بعدی چگونه به ما نشان می دهد که چگونه عهد جدید ، گرچه غالباً مبتنی بر عهد عتیق است ، ما را از عهد عتیق فراتر می برد و می تواند واقعاً نور جدیدی بر آن بتاباند؟

۳. چگونه داستان زندگی موسی ، از جمله ضربه زدن صخره با خشم ، نمونه ای از معنای زندگی با ایمان و نجات یافتن توسط ایمان ، جدا از اعمال شریعت است؟

۴. در کلاس ، در مورد وعده قیامت در آخر زمان صحبت کنید. چرا این مسئله برای همه امیدهای ما اینقدر مهم است؟ همچنین ، اگر ما می توانیم در این مورد به خدا اعتماد کنیم ، یعنی در قیام ما از مرگ، آیا نمی توانیم برای هر چیز دیگری به او اعتماد کنیم؟ از این گذشته ، اگر او بتواند این کار را برای ما انجام دهد ، چه کاری نمی تواند انجام دهد؟